

فرمانده معظم کل قوا: «اقتدار این است که یک ملت از درون بچوشد؛ هم علم را، هم نظامیگری را، هم سازندگی را، هم پیشرفت را، هم عزت بین‌المللی را برای خود کسب کند. اینها مؤلفه‌های اقتدار ملت ایران است.» (۹۷/۰۴/۰۹)

## مقاله پژوهشی: راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران با تأکید بر اولویت‌بندی مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی

احسان کاظمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۵

### چکیده

با تثبیت انقلاب اسلامی، به‌منظور دستیابی به آرمان‌های متعالی انقلاب، هدف‌های نظام سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی نمود پیدا کرد. با این حال دستیابی به هدف‌های تعریف‌شده، به‌خودی خود ممکن نبوده و نیست، بلکه به گستره اقتدار نظام سیاسی بستگی دارد. اقتدار محصول آنی و مستقیم قدرت ملی می‌باشد، به‌بیان دیگر، ابعاد چندگانه قدرت ملی سرچشمه اقتدار ملی می‌باشند. در این میان بُعد سیاسی قدرت ملی به‌عنوان یک نظام هوشمند، نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت اقتدار ملی دارد؛ در همین راستا هدف اصلی این مقاله تدوین راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران با تأکید بر اولویت‌بندی مؤلفه‌های بُعد سیاسی قدرت ملی است که با روش پیمایشی و استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه استادان دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشند که از کل جامعه آماری مورد مطالعه تعداد ۱۵۰ نفر با استفاده از نرم‌افزار Sample Power انتخاب گردید. تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش SWOT انجام گرفت. نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کمی پذیر بُعد سیاسی قدرت ملی یعنی مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی، انسجام و وحدت ملی، اعتماد سیاسی، بسیج سیاسی و قدرت نرم بر تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران اثرگذار است. براساس نتایج SWOT وضعیت اقتدار ملی ج.ا.ایران از نظر محیط داخلی و خارجی، از میان چهار راهبرد مشخص شده در موضع راهبردهای تهاجمی قرار دارد.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی ایران، قدرت ملی، قدرت سیاسی، اقتدار ملی، راهبرد سیاسی.

<sup>۱</sup>. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز - e.kazemi.p@gmail.com

## مقدمه

انقلاب‌های سیاسی همواره بعد از تشکیل حکومت به دنبال تحقق آرمان‌های خود هستند، با این حال صرف تشکیل حکومت نمی‌تواند منجر به تحقق آرمان‌ها شود؛ پیش‌نیاز تحقق هدف‌ها، دستیابی به اقتدار ملی می‌باشد. آن‌گونه که مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> فرمودند: «اقتدار ملی برای یک کشور، حفظ‌کننده هویت او، مایه عزت او و وسیله رسیدن به آرمان‌هاست... در سایه اقتدار ملی است که مردم می‌توانند به قدر استعدادشان و با شکوفایی این استعدادها، تلاش خودشان را مبذول کنند بنابراین همه باید تلاش کنند که اقتدار ملی را تجلی بخشند!». با این وجود، اقتدار ملی به‌خودی‌خود ظهور نمی‌یابد؛ بلکه تحقق و تقویت آن مستلزم بهره‌برداری از قدرت ملی است. به بیان دیگر، سرچشمه اقتدار ملی، قدرت ملی است، از همین‌رو، راهبرد پردازان بر این عقیده هستند که قدرت ملی به‌خودی‌خود نمی‌تواند موجب نقش‌آفرینی یک کشور در عرصه سیاست جهانی شود، بلکه لازمه آن تحول در سه سطح گفتمانی، سازمانی و مدنی قدرت ملی به‌منظور ظهور اقتدار ملی است.

در این پژوهش به‌طور مشخص به چگونگی اثرگذاری مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی در راستای تقویت اقتدار ملی پرداخته می‌شود اما از آنجایی که امکان پرداختن به همه مؤلفه‌ها در این تحقیق میسر نبوده و همچنین امکان شاخص‌سازی و سنجش بسیاری از آن‌ها به‌صورت کمی و در قالب پرسشنامه امکان‌پذیر نبود، بنابراین مؤلفه‌هایی انتخاب گردید که در تحقیق‌های قبلی به‌نوعی روایی آن‌ها تأیید شده و یا اینکه شاخص‌سازی آن‌ها به‌صورت کمی امکان‌پذیر بود.

## ۱. کلیات

### ۱-۱. بیان مسئله

هر نظام سیاسی برای تقویت اقتدار ملی خویش، مسئولیت‌های خرد و کلانی را برعهده دارد که کارکردهای نظام را تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهد، بنابراین پایداری، ثبات و

۱. پیام نوروزی مقام مظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> به مناسبت حلول سال ۱۳۸۰.

اقتدار یک نظام سیاسی وابسته به عوامل گوناگونی است که در کنارهم نظم و ساختاری را پدید می‌آورند که در فرایندی شفاف، هویت خویش را حفظ و پویایی آن را تضمین می‌بخشد. سازماندهی و بهره‌مندی از الگویی دقیق در کنار طراحی راهبردهای روزآمد و کارآمد که متضمن حفظ روند روبه‌تعالی و کسب توانایی در ابعاد مختلف قدرت ملی بوده و پاسخگوی نیازهای روز باشد از عوامل بنیادین اقتدار ملی است. آشکار است، فرایند دستیابی به اقتدار ملی پیچیده است که فقط با اتکای به الگوهای توسعه قابل دستیابی نیست. گام نخستین در این فرایند پیچیده ادراک صحیح از بنیان‌ها و شاخص‌هایی است که زیرساخت‌های مفهومی این پدیده را در قالبی دقیق و عملیاتی، مشخص ساخته و از ابهام‌ها و ادراک‌های پراکنده دوری نماید. هر نوع ابهام در فهم و شناخت این بنیان‌ها یا ضعف در پوشش مناسب به تمامی ابعاد و مؤلفه‌ها و سرمایه‌گذاری مناسب برای توانمندسازی آن‌ها یا غفلت در برآورد از روند جاری مؤلفه‌ها و شاخص‌های سیاسی در عرصه‌های نظری، گفتمانی و راهبردی نه تنها فرایند دستیابی به اقتدار و پایداری آن را با اختلال مواجه می‌سازد، بلکه حفظ موجودیت و استواری نظام را با چالش‌های متفاوتی همراه می‌سازد.

در این میان بعد سیاسی قدرت ملی یکی از ابعاد تعیین‌کننده‌ای است که نقشی اساسی در ظهور و بروز اقتدار ملی دارد. این بعد از قدرت ملی دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که گسترش مؤلفه‌های آن می‌تواند زمینه‌ساز ظهور و بروز اقتدار ملی شود. در همین راستا مسائل محوری این تحقیق عبارتند از: نخست، سنجش میزان اثرگذاری مؤلفه‌های بُعد سیاسی قدرت ملی در راستای تقویت اقتدار ملی و دوم، ارائه راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی.

## ۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

هر کشوری به‌دنبال اقتدار ملی است و تلاش برای ارتقای اقتدار ملی در کشورهای مختلف اهمیتی روزافزون دارد. به‌بیان دیگر، تقویت اقتدار ملی شرایط خاصی دارد که کشف و چگونگی تبدیل آن‌ها به اقتدار ملی اولویت دارد. در این راستا، شناسایی و

اولویت‌بندی مؤلفه‌های بُعد سیاسی قدرت ملی، شناسایی تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف اقتدار ملی می‌تواند منجر به ارائه راهبردهای سیاسی جهت دستیابی به اقتدار ملی در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی شود. نادیده گرفتن این عوامل می‌تواند به پراکندگی و عدم تمرکز در حوزه کیفی‌سازی مؤلفه‌های قدرت ملی به‌ویژه بعد سیاسی آن و همچنین فقدان راهبردهای مشخص جهت تقویت اقتدار ملی منجر شود. برعکس، چنانچه مؤلفه‌های سیاسی قدرت ملی شناسایی و اولویت‌بندی شده و به‌چگونگی تبدیل بُعد سیاسی قدرت ملی به اقتدار ملی توجه شود می‌تواند در راستای تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران مفید واقع شود.

### ۱-۳. پیشینه تحقیق

(۱) «غلامرضا غلامی ابرستان» (۱۳۹۲) در کتاب «نظریه اقتدار ملی ج.ا.ایران» درکنار مفهوم‌شناسی اقتدار و اقتدار ملی تلاش می‌کند نظریه منحصر به فرد اقتدار ملی ج.ا.ایران را ساماندهی کند. نویسنده در فصل نخست به تشریح مفهوم اقتدار و تفاوت آن با مفاهیم مشابه می‌پردازد. در فصل دوم به ارکان اقتدار ملی (قدرت، مشروعیت، دولت ملی و حاکمیت) و عوامل استمرار آن اشاره می‌کند. و در فصل سوم به مبانی نظریه اقتدار از دیدگاه اسلام و حکومت اسلامی می‌پردازد. (غلامی ابرستان، ۱۳۹۲)

(۲) «حسین خانی» (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های نظری اقتدار ملی در سیاست خارجی اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup>»، بر اساس اندیشه‌های فقهی و آموزه‌های مکتبی امام خمینی<sup>(ره)</sup> سعی در پردازش مؤلفه‌های نظری برای حفظ اقتدار ملی در عرصه سیاست خارجی ج.ا.ایران دارد. نویسنده در پایان به چهار مؤلفه نظری «نفی سبیل»، «ظلم‌ستیزی»، «عزت اسلامی و سیادت دینی» و «دعوت به اتحاد مسلمین» می‌رسد. (خانی، ۱۳۸۹)

(۳) «محمدباقر بابایی» (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «جایگاه سیاست در اقتدار ملی از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>» به نقش عوامل و عناصر سیاسی در تقویت اقتدار ملی می‌پردازد

و اقتدار ملی را مهم‌ترین شاخص ارزیابی توانمندی کشورها تعریف می‌کند. از دید نویسنده مؤلفه‌های اقتدار ملی عبارتند از: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی. وی با استناد به آثار و مکتوبات امام علی<sup>(ع)</sup> در تقویت اقتدار ملی اولویت را به فرهنگ می‌دهد. (بابایی، ۱۳۸۹)

(۴) «اردشیر نوریان» (۱۳۹۳) در مقاله «جایگاه مؤلفه دفاعی - امنیتی در تحکیم و توسعه اقتدار ملی از منظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> و آیت‌الله خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>» به اهمیت مفهوم اقتدار ملی، شناخت مؤلفه‌های آن و تبیین جایگاه و تأثیر هر مؤلفه پرداخته و در کنار نام‌بردن از مؤلفه دفاعی - امنیتی، جایگاه و تأثیر آن را در تحکیم و توسعه اقتدار ملی ج.ا.ایران تبیین می‌کند. نویسنده پایه بحث خود را نظرات و بیانات امام خمینی<sup>(ره)</sup> و رهبر معظم انقلاب<sup>(مدظله‌العالی)</sup> در حوزه دفاعی و امنیتی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که هر چند مؤلفه دفاعی - امنیتی جایگاه ویژه‌ای در ابعاد عینی اقتدار ملی دارد، اما پایه اصلی و توان اثرگذاری آن متکی بر ابعاد معنوی است. (نوریان، ۱۳۹۳)

(۵) «اصغر افتخاری» (۱۳۸۰) در کتاب خود با عنوان «اقتدار ملی؛ جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup>» مفصل به بحث چگونگی تبدیل قدرت به اقتدار ملی و مؤلفه و شاخص‌های آن و همچنین آسیب‌شناسی اقتدار ملی با بهره‌گیری از نظرات ویژه امام خمینی<sup>(ره)</sup> می‌پردازد. (افتخاری، ۱۳۸۰)

(۶) «گروه مطالعات امنیت دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی» (۱۳۸۷) در کتاب «تحکیم اقتدار؛ راهبردها و روندها» به دنبال تبیین اقتدار ملی در نظام ج.ا.ایران است. در فصل اول چیستی و ماهیت اقتدار، قدرت و قدرت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوم مفهوم و رویکردهای اقتدار و اقتدار ملی مورد بحث قرار می‌گیرد. در فصل سوم اصول و مبانی اساسی اقتدار در نظام ج.ا.ایران مورد واکاوی قرار می‌گیرد. مطالب کتاب نزدیکی بسیاری با پژوهش حاضر دارد، با این وجود پژوهش حاضر نه بر کلیت و تمام ابعاد قدرت ملی بلکه بر یک بعد از قدرت ملی یعنی قدرت سیاسی و تأثیر آن بر اقتدار ملی تأکید دارد. (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷)

(۷) «مارک هوگ و آنا کرن» (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و توسعه حمایت سیاسی در اروپا» بیان می‌دارند که کاهش مشروعیت سیاسی به دلیل کاهش سرمایه اجتماعی است. از دید آن‌ها، میان مشارکت سیاسی از یکسو و رضایت از مردم سالاری و اعتماد سیاسی به حکومت از سوی دیگر، همبستگی روشن و قابل توجهی وجود دارد. (Hooghe&Kern, 2017)

روی هم رفته این پژوهش از دو جنبه با مطالعات انجام شده بالا تفاوت دارد؛ نخست آنکه، این پژوهش به صورت مشخص به نقش و جایگاه بُعد سیاسی قدرت ملی در راستای تقویت اقتدار ملی توجه نشان می‌دهد. دوم آنکه، پژوهش حاضر افزون بر تبیین و شناسایی مولفه های بُعد سیاسی قدرت ملی به ارائه راهبردهای سیاسی جهت تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران نیز می‌پردازد.

#### ۴-۱. سؤال‌های تحقیق

##### ۴-۱-۱. سؤال اصلی

راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران با تأکید بر اولویت بندی مؤلفه های بُعد سیاسی قدرت ملی کدامند؟

##### ۴-۱-۲. سؤال‌های فرعی

- (۱) سرمایه اجتماعی تا چه میزان بر اقتدار ملی ج.ا.ایران مؤثر است؟
- (۲) مشروعیت سیاسی تا چه میزان بر اقتدار ملی ج.ا.ایران مؤثر است؟
- (۳) مشارکت سیاسی تا چه میزان بر اقتدار ملی ج.ا.ایران مؤثر است؟
- (۴) انسجام ملی تا چه میزان بر اقتدار ملی ج.ا.ایران مؤثر است؟
- (۵) اعتماد سیاسی تا چه میزان بر اقتدار ملی ج.ا.ایران مؤثر است؟
- (۶) بسیج سیاسی تا چه میزان بر اقتدار ملی ج.ا.ایران مؤثر است؟
- (۷) قدرت نرم تا چه میزان بر اقتدار ملی ج.ا.ایران مؤثر است؟

## ۵-۱. هدف‌های تحقیق

### ۱-۵-۱. هدف اصلی

شناسایی راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران.

### ۲-۵-۱. هدف‌های فرعی

- (۱) سنجش میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر اقتدار ملی ج.ا.ایران
- (۲) سنجش میزان تأثیر مشروعیت سیاسی بر اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۳) سنجش میزان تأثیر مشارکت سیاسی بر اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۴) سنجش میزان تأثیر انسجام ملی بر اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۵) سنجش میزان تأثیر اعتماد سیاسی بر اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۶) سنجش میزان تأثیر بسیج سیاسی بر اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۷) سنجش میزان تأثیر قدرت نرم بر اقتدار ملی ج.ا.ایران.

## ۶-۱. روش تحقیق

این مطالعه با استفاده از رویکرد کمی و فن پیمایشی و روش SWOT انجام شده است. گردآوری داده‌ها از راه پرسشنامه محقق‌ساخته انجام گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه استادان دانشگاه شهیدچمران اهواز می‌باشد که براساس آخرین آمار رسمی اداره آموزش دانشگاه در سال ۱۳۹۸ جمعیت کل استادان این دانشگاه برابر ۶۰۸ نفر می‌باشد. از آنجا که مطالعه حاضر با روش کمی و مبتنی بر آزمون فرضیه و نظریه داده‌بنیاد است، برآورد نمونه‌گیری با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power در مسیر تحلیل توان<sup>۱</sup> انجام گرفت.

باتوجه به پیش‌فرض‌های مربوط به نمونه‌گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر، تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل) و با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power

حجم نمونه آماری از میان استادان دانشگاه تعداد ۱۵۰ نفر مشخص گردید. از آنجا که در این مطالعه، پژوهشگر با بیش از یک پارامتر؛ یعنی پارامترهایی مانند همبستگی، میانگین و رگرسیون متناسب با متغیرهای مختلف پژوهش سروکار داشت؛ سعی شد ابتدا برای تک تک پارامترها با استفاده از شاخص‌های مربوطه، برآورد نمونه انجام گیرد که در نهایت حجم نمونه براساس پارامتر رگرسیون با مقدار اندازه اثر قابل تشخیص در جامعه آماری به مقدار ۰/۲۲ که بیشترین برآورد را از حجم نمونه به دست داد، عمل گردد. با این کار برآوردهای حجم پایین نمونه توسط سایر پارامترها هم در سطح معقول تر و بالاتری در نظر گرفته خواهند شد. حجم نمونه به دست آمده در این مطالعه با پیش فرض ۰/۰۱، ۰/۰۲ و ۰/۰۳ برای آلفا، ۰/۸۰ برای توان و در مقابل ۰/۲۰ برای مقدار بتا (خطای نوع دوم)، اندازه اثر قابل تشخیص ۰/۲۲ به دست آمده و بنابراین تمام معیارهای منطقی در انتخاب نمونه در نظر گرفته شد.

بنابراین، مناسب ترین نمونه را ۱۵۰ نفر در سطح آلفا ۰/۰۳ انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر تصادفی سیستماتیک می باشد. در این روش نمونه‌گیری، فاصله و نظم نمونه‌گیری از تقسیم حجم جامعه بر حجم نمونه به دست می آید. به این معنا که در آن هریک از افراد یک فهرست غیررتبه بندی و بر اساس فاصله ای منظم و بر طبق نظم و ترتیبی مشخص به طور نظام دار انتخاب می شوند. برای توصیف و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS و فن SWOT استفاده شده است. برای اطمینان از اعتبار ابزار سنجش، با بهره‌گیری از نظرهای داوران متخصص در حوزه موضوع تحقیق، ابتدا اعتبار شکلی سؤال‌های پرسشنامه سنجیده شد. افزون بر آن، تلاش شد تا در طراحی سؤال‌های پرسشنامه از سؤال‌های مشابهی که در تحقیق‌های دیگر استفاده شده بود، بهره گرفته شود. برای اطمینان از پایایی نتایج، روش آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفته است. آلفای کرونباخ هریک از متغیرها در جدول شماره (۱) آورده شده است.



جدول شماره (۱): میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های هر طیف

ضریب آلفا	تعداد گویه	طیف‌ها
۰/۷۴	۱۰	اقتدار ملی
۰/۸۱	۱۱	سرمایه اجتماعی
۰/۷۳	۴	مشروعیت سیاسی
۰/۸۷	۷	مشارکت سیاسی
۰/۷۶	۳	انسجام ملی
۰/۷۳	۷	اعتماد سیاسی
۰/۶۱	۳	بسیج سیاسی
۰/۷۸	۵	قدرت نرم

## ۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

### ۲-۱. قدرت ملی

قدرت، هسته و مرکز ثقل سیاست بوده و همه کشاکش‌ها در زندگی سیاسی به قدرت مربوط می‌شود. (عالم، ۱۳۸۷: ۲۹) قدرت عبارت است از استطاعت، توانایی یا قابلیت که به دارنده آن قوه اثرگذاری بر رفتار سایر بازیگران را در جهت هدف‌هایش می‌دهد. (Jablonsky, 1997: 34) فرهنگ روابط بین‌الملل قدرت را اعمال نفوذ و واپایش (کنترل) یک ملت بر ملت‌های دیگر معنی می‌کند. (Plano&Olton, 1988:20)

در یک تقسیم‌بندی، «آلین تافلر» سه نوع اصلی از قدرت شامل قدرت خشونت، قدرت ثروت و قدرت دانش را از هم تفکیک می‌کند. وی سایر انواع قدرت را تابعی از این سه دانسته و معتقد است هرچه قدرت منعطف‌تر باشد موفق‌تر است. (ره‌پیک، ۱۳۹۰: ۲۹) در دسته‌بندی دیگری، «جوزف نای» قدرت را براساس معیار شدت و صلابت به سه نوع تقسیم می‌کند: قدرت سخت، قدرت نیمه‌سخت و قدرت نرم. (نای، ۱۳۸۷: ۴۷)

در این میان، قدرت ملی به‌عنوان پایه و اساس اقتدار ملی از جمله مقوله‌هایی است که از تشکیل چند مؤلفه به‌دست می‌آید؛ از همین‌رو مقوله‌ای انتزاعی بوده و وجود خارجی

نداشته و وجودش از ترکیب و تعامل چند عنصر حاصل می‌شود. بعضی جنس آن را از نوع توانایی دانسته و آن را به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور وجود دارد، تعریف می‌کنند. (کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۷۰) «سوفنگ» قدرت ملی را قدرت کامل و نفوذ بین‌المللی یک ملت هم در عرصه قدرت مادی و هم معنوی که ملت از آن برای بقا و توسعه استفاده می‌کنند، تعریف می‌کند. (Suofeng, 1992:102) «کالینز» قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، فناورانه و نظامی آن کشور ناشی می‌شود. (کالینز، ۱۳۷۰: ۲۴). قدرت ملی ابعاد گوناگونی دارد که شامل بُعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، نظامی و علمی - فناوری می‌باشد؛ اما به دلیل محدودیت در حجم مقاله بررسی همه مؤلفه‌ها میسر نبوده و تنها به بعد سیاسی قدرت ملی پرداخته می‌شود.

## ۲-۲. بُعد سیاسی قدرت ملی

قدرت در بُعد سیاسی، عبارت است از توانایی در تأمین هدف‌ها و منافع داخلی و خارجی خود. این توانایی در مرحله اول به هدف‌ها و منافع بقا اختصاص یافته و نتیجه آن توانایی دفاع در مقابل سایر بازیگران می‌باشد. در مرحله بعد، این توانایی به توسعه، پیشرفت و اثرگذاری بر دیگران که نتیجه آن توسعه هدف‌ها و منافع و افزایش توانایی اعمال‌کننده قدرت می‌باشد، منجر می‌گردد. بنابراین، توانایی‌های دولت از یک سو به منابع مختلف قدرت و از سوی دیگر به شیوه‌های اعمال آن بستگی دارد. البته باید توجه داشت که قدرت به طور دائم در معرض موانع، محدودیت‌ها و مقاومت‌ها قرار گرفته و حتی در شرایط ویژه این امر تشدید می‌گردد. به طور مثال، قدرت دولت در سطح داخلی و همچنین در سطح خارجی باید به صورت عاقلانه و مشروع اعمال گردد، در غیر این صورت ممکن است نتیجه آن افزایش مقاومت‌ها و محدودیت‌ها باشد. (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۸۸). بُعد سیاسی قدرت ملی دارای مؤلفه‌های زیادی چون مدیریت سیاسی، سیاست خارجی،

نخبگان کارآمد، ماهیت حکومت، دیپلماسی عمومی، اعتقادات (ایدئولوژی) اسلامی، توسعه علم و فناوری، بهداشت سیاسی و اقتصادی می‌باشد که براساس ادبیات نظری و پیشینه تحقیق استخراج شده‌اند، با این حال، از یک سو امکان پرداختن به همه مؤلفه‌ها در یک مقاله میسر نبوده و از سوی دیگر، امکان شاخص‌سازی و سنجش بسیاری از آن‌ها به صورت کمی و در قالب پرسشنامه امکان‌پذیر نبود، بنابراین، در این تحقیق مؤلفه‌هایی انتخاب گردید که در تحقیق‌های قبلی روایی آن‌ها تأیید شده و یا اینکه شاخص‌سازی آن‌ها به صورت کمی امکان‌پذیر بود. در زیر به این مؤلفه‌ها اشاره می‌شود.

### ۲-۳. مؤلفه‌های بُعد سیاسی قدرت ملی

(۱) سرمایه اجتماعی: به نظر «بوردیو»، «سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار کرده و آن‌ها را مستحق اعتبار می‌سازد. (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷) «پوتنام» سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تأمین خواهد کرد. (Putnam, 1995:67) «فوکویاما» سرمایه اجتماعی را توانایی افراد برای کارکردن با یکدیگر در گروه‌ها و سازمان‌ها برای دستیابی به هدف‌های مشترک می‌داند. (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۱۰)

سرمایه اجتماعی، منابع ضروری و لازم را برای قدرت ملی فراهم می‌کند. همچنین جوامع با میزان بالاتری از سرمایه اجتماعی ثبات سیاسی بیشتری داشته، درگیری‌های خشونت‌آمیز در آن‌ها کمتر بوده، پیشرفت تحصیلی و رشد اقتصادی، اتحاد، انسجام، امنیت و مشارکت در آن‌ها بالا بوده و حکومت آن‌ها قادر است در تعقیب هدف‌های مشترک و خواسته‌های جمعی در سطح نظام بین‌الملل عملکرد بهتری داشته باشد.

(۲) مشروعیت سیاسی: از دیدگاه «ماکس وبر»، مشروعیت به لحاظ منابع آن از سه شکل

محتمل برخوردار است:

- **مشروعیت قانونی:** مبتنی است بر اعتقاد به قانونی بودن مقررات موجود و حق اعمال سیادت کسانی که این مقررات آن‌ها را برای اعمال سیادت فراخوانده است.

- **مشروعیت سنتی:** مبتنی است بر اعتقاد متداول به تقدس سنت‌هایی که از قدیم اعتبار داشته‌اند و مشروعیت کسانی که این سنت‌ها آن‌ها را مأمور و مجاز به اعمال سیادت می‌کند.

- **مشروعیت کاریزماتیک:** مبتنی است بر فرمانبرداری غیرعادی و استثنایی از یک فرد به خاطر تقدس، قهرمانی و یا سرمشق بودن و نیز فرمانبرداری از نظامی که وی ایجاد کرده یا به شکل وحی بر او نازل شده است و اینار در برابر او و نظامش. (ویر، ۱۳۸۴: ۳۱۳-۳۱۲)

رابطه مشروعیت سیاسی و قدرت ملی این‌گونه می‌باشد که هرچه پایه‌های مشروعیت در یک نظام سیاسی مستحکم‌تر باشد کارآمدی و ثبات سیاسی بیشتری دارد؛ همچنین هرچه کارآمدی یک نظام سیاسی بیشتر باشد به افزایش مشروعیت نظام سیاسی کمک می‌کند، با این حال، مشروعیت نظام سیاسی در کنار بعد عقلانی و قانونی، می‌تواند همچون نظام سیاسی ایران ابعاد دینی نیز داشته باشد، از همین رو مشروعیت سیاسی می‌تواند یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی باشد.

(۳) **مشارکت سیاسی:** مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌های شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی است. (Milbrath, 1977:2) «مایکل راش» مشارکت سیاسی را درگیر شدن در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم‌درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می‌داند. (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳) روی هم رفته مشارکت سیاسی از بنیادهای مردمی بودن حکومت‌ها و از جمله مؤلفه‌های اثرگذار بعد سیاسی قدرت ملی می‌باشد. مشارکت سیاسی به‌ویژه مشارکت در انتخابات نه تنها زمینه‌ساز تقویت مشروعیت و کارآمدی قدرت سیاسی، بلکه موجب بهره‌گیری از ظرفیت اجتماعی موجود در جامعه در راستای تقویت اقتدار ملی می‌باشد. از همین رو مشارکت سیاسی و حق فعالیت سیاسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی قابل طرح می‌باشد.

(۴) انسجام ملی: انسجام ملی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سیاسی قدرت ملی در شرایطی به دست می‌آید که نشانه‌هایی از همدلی و هم‌زبانی در ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایجاد شود. مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> در ضرورت این مهم فرمودند: «من بر روی وحدت ملی تأکید بیشتری دارم به خاطر اینکه امنیت هم ناشی از وحدت است، اگر وحدت نباشد، امنیت ملی هم به خطر می‌افتد و ایجاد ناامنی می‌شود<sup>۱</sup>». بنابراین وجود انسجام و همگرایی سیاسی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی می‌باشد؛ به گونه‌ای که هرچه میزان انسجام سیاسی در جامعه‌ای بیشتر باشد، امکان پیشبرد منافع کلان آسان‌تر خواهد شد. از همین رو انسجام و وحدت سیاسی - اجتماعی شرط ضروری برای اقتدار ملی در سطح منطقه‌ای و جهانی می‌باشد.

(۵) اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی از نظر «دیوید ایستون» مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی است. (Easton, 1975:447) به باور «بریتزر» اعتماد سیاسی شامل سه بعد است؛ اعتماد سیاسی به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی. (Bretzer, 2002:7) اعتماد سیاسی شهروندان به نخبگان حاکم و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آن‌ها از سرمایه‌های مهم اجتماعی برای نظام‌های مردم‌سالار به شمار رفته که بیشتر سیاستمداران در پی افزایش کمی و کیفی آن برای حل معضلات داخلی و بین‌المللی خود با هزینه‌های اندک هستند. (هرسیچ، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۳۹) افزایش اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر و بهتر میان مردم و دولت و مشارکت سیاسی مردم می‌شود؛ برعکس کاهش آن موجب عدم‌حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان و موجب بحران مشروعیت می‌گردد. (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۵۳)

با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت اعتماد سیاسی یکی از مؤلفه‌های سیاسی مؤثر بر قدرت ملی بوده و به هر میزان اعتماد عمومی و سیاسی افزایش یابد، میزان کارآمدی و انسجام سیاسی نظام سیاسی، نهادها و کارگزاران افزایش می‌یابد؛ همچنین سطح بالای کارآمدی و کیفیت عملکرد، زمینه‌ساز افزایش اعتماد سیاسی می‌شود.

۱. بیانات مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup>، در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۶

(۶) بسیج سیاسی مردم: بسیج فرایندی است که طی آن یک واحد اجتماعی که بیشتر منابع سه گانه جمعیتی، اقتصادی و نظامی قدرت را در دست نداشته، آن‌ها را در دست می‌گیرد. در این مجموعه، منابع جمعیتی یا جلب وفاداری توده مردم در اولویت نخست قرار دارد. توده مردم، اغلب با دو انگیزه اخلاقی و سیاسی به بسیج‌گران می‌پیوندند. انگیزه اخلاقی ممکن است سلبی یا ایجابی باشد. بعد سلبی آنکه توده مردم رژیم پیشین را مستبد، غیرعادلانه و عنصری می‌دانند که سبب محرومیت نسبی آن‌ها شده، درحالی که بعد ایجابی آن است که توده مردم اسطوره جدید انقلاب را عملی جمعی برای رستگاری تلقی می‌کنند؛ اما انگیزه سیاسی می‌تواند با هدف ساماندهی مجدد امور سیاسی - نهادی و دستیابی به قدرت باشد. (احمدوند، ۱۳۸۸: ۹-۸)

نقش مردم در نظام‌های مردم‌سالار اهمیتی به مراتب افزون‌تر از نظام‌های استبدادی دارد. نظام‌های مردم‌سالار تکیه قدرت خود را بر روی عنصر مردم قرار می‌دهند. در واقع، نظام‌های مردم‌سالار به منظور پیشبرد هدف‌های سیاسی خود اقدام به بسیج سیاسی مردم می‌کنند. در مردم‌سالاری دینی مردم نقشی تعیین‌کننده در روندهای سیاسی و اداره جامعه دارند. مردم به‌عنوان یکی از پایه‌های مشروعیت سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی تلقی می‌شوند. جدا از نقش مشروعیت‌بخش در نظام مردم‌سالاری دینی، مردم با مشارکت سیاسی از جمله رأی دادن و حضور در انتخابات به روندها و نهادهای سیاسی شکل می‌دهند. بنابراین، رضایت اجتماعی - سیاسی مردم نقش کلیدی در تقویت بُعد سیاسی قدرت ملی و تقویت اقتدار ملی در عرصه منطقه‌ای و جهانی دارد. از همین رو، نقش‌آفرینی مردم در نظام‌های مردم‌سالار یکی از مؤلفه‌های کلیدی قدرت و اقتدار ملی به‌شمار می‌رود.

(۷) قدرت نرم: قدرت نرم برای اولین بار توسط «جوزف نای» مطرح و از آن زمان اهمیت این مفهوم به‌طور چشمگیری افزایش یافت. (Nye, 1991: 303) جوزف نای، قدرت نرم را توانایی شکل‌دهی افکار عمومی یک جامعه در راستای خواسته‌های خود می‌داند. (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۰۶) قدرت نرم شامل توانایی جذب کردن نیز می‌شود و جذب، اغلب باعث مشارکت همراه با رضایت می‌گردد. (نای، ۱۳۸۷: ۴۴) قدرت نرم، طرح اجتماعی کردن قدرت را

در سطح و اندازه‌ای متمایز از مکاتب پیشین مطرح ساخته و از این حیث ارزشی منحصر به فرد دارد. (قربانی‌شیش‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶) منابع قدرت نرم اسلامی، بر ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، ولایت‌مداری، حق‌گرایی و استقلال‌طلبی استوار است؛ به گونه‌ای که درکنار ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی، بر روند تحولات خودباوری دینی و بیداری اسلامی در حوزه پیرامونی خود نیز اثرگذار بوده است.

## ۲-۴. اقتدار ملی

اقتدار در گسترده‌ترین معنا، شکلی از قدرت است، اما میان این دو تفاوت است. درحالی‌که می‌توان قدرت را توانایی نفوذ بر رفتار دیگری تعریف کرد، اقتدار را می‌توان حق نفوذ بر رفتار دیگران دانست. قدرت از راه ترغیب، فشار، تهدید، اجبار یا خشونت، رضایت به بار می‌آورد. اما، اقتدار مبتنی بر «حق فرمانروایی» بوده و از راه تکلیف و الزام اخلاقی فرمانبرداران که اطاعت کنند، رضایت به دست می‌آورد. (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۹۴) اقتدار به حوزه‌ای هنجاری اشاره داشته و به نوعی رضایت و اختیار دلالت می‌کند. همچنین اقتدار حق یا توان قبولاندن طرح‌ها، تجویزها یا دستورهای بدون توسل به اغوا، چانه‌زنی یا زور است. (بیرو، ۱۳۶۷: ۱۳) به عبارت دیگر، اقتدار شکلی کارآمد از نظم اجتماعی و سیاسی می‌باشد. «رابرت دال» در تعریف اقتدار، این مفهوم را به مشروعیت گره زده و معتقد است قدرت مشروع را اغلب اقتدار می‌دانند. (دال، ۱۳۶۴: ۷۰)

در حوزه روابط بین‌الملل رهیافت‌های متنوعی در مورد اقتدار ارائه شده که در مجموع چهار رهیافت قابل تفکیک است. رهیافت اول مربوط به نظریه پردازان «نئولیبرال» است. افرادی همانند «جوزف نای» و «رابرت کوهن» را می‌توان در این گروه قرار داد. آن‌ها اقتدار ملی را به مفهوم حداکثرسازی ارتباطات برای ایجاد تعادل، همکاری و سود تلقی می‌کنند. رهیافت دوم مربوط به نظریه پردازان نواقع‌گرایی می‌باشد. معروف‌ترین آن‌ها «کنث والتز» و «رابرت گیلپین» هستند. این گروه تلاش

دارند تا میان اقتدار ملی و هژمونی رابطه برقرار نمایند. در این رهیافت اقتدار ملی زمانی وجود دارد که نشانه‌هایی از جمله هژمونی درون‌ساختاری، هژمونی منطقه‌ای و هژمونی بین‌المللی ایجاد شود. رهیافت سوم در حوزه روابط بین‌الملل مربوط به نظریه پردازان مکتب انتقادی است. این گروه از نظریه پردازان اقتدار را در چارچوب انسجام ساختاری و توان اثرگذاری موردسنجش قرار می‌دهند. رهیافت چهارم مربوط به نظریه‌سازانگاری است. از نظر سازهانگاران اقتدار ملی دارای شاخص‌هایی است که می‌توان آن‌ها را در قالب موضوعاتی از جمله میزان انسجام اجتماعی در واحدهای سیاسی و میزان قابل قبولی از ایده حکومت در میان جامعه موردتوجه قرار داد. در مجموع موضوع وفاداری سیاسی زمینه‌ساز اجماع اجتماعی خواهد شد. هرگاه چنین وضعیتی به وجود آید، امکان بازسازی و ترمیم اقتدار ملی نامحدود خواهد بود؛ زیرا از جمله ویژگی‌های اقتدار آن است که زمینه بازسازی و ترمیم وفاداری و انسجام اجتماعی وجود داشته باشد. (گروه مطالعات امنیت دانشکده امنیت ملی، ۱۳۹۰: ۸۱-۵۷) مهم‌ترین نشانه‌های اقتدار ملی در تفکر سازهانگاران عبارتند از: دولت و حکومت قوی، سرمایه اجتماعی، اعتماد سیاسی، انسجام اجتماعی، وفاداری سیاسی، مشروعیت ساختاری، هویت ملی و .... به هر میزان که این مؤلفه‌ها که مربوط به بُعد سیاسی قدرت ملی نیز هستند، در یک جامعه بیشتر باشد به همان نسبت اقتدار ملی آن کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز افزایش خواهد یافت.

شکل شماره (۱) روابط میان متغیرهای این تحقیق را در قالب الگوی تجربی تحقیق

نشان می‌دهد.





شکل شماره (۱): الگوی تجربی مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی جهت تقویت اقتدار ملی

### ۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن

#### ۳-۱. یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۲) توزیع متغیر بعد سیاسی قدرت ملی و وزن‌دهی هریک از مؤلفه‌های آن را بر مبنای شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که میانگین میزان بعد سیاسی قدرت ملی در مؤلفه اعتماد سیاسی برابر ۲۴/۶۵ می‌باشد؛ به این معنا که در میان مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی، اعتماد سیاسی دارای وزن بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها می‌باشد. دومین مؤلفه‌ای که در این راستا دارای وزن بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها می‌باشد، مشروعیت سیاسی کشور با میانگین ۱۹/۲۴ می‌باشد. به این ترتیب بر اساس نتایج به دست آمده از جدول شماره (۲)، مؤلفه‌های مشارکت سیاسی (اولویت سوم)، سرمایه اجتماعی (اولویت چهارم)، انسجام و وحدت ملی (اولویت پنجم)، بسیج

سیاسی مردم (اولویت ششم) و قدرت نرم (اولویت هفتم) اولویت‌های بعدی را به لحاظ وزن‌دهی در بعد سیاسی قدرت ملی به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۲): توزیع میانگین وزن‌دهی به مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی

اهمیت بر مبنای میانگین	نام متغیر	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین مورد انتظار	کمترین	بیشترین
اولویت اول	اعتماد سیاسی	۲۴/۶۵	۵/۰۴	۲۱	۱۰	۳۵
اولویت دوم	مشروعیت سیاسی	۱۹/۲۴	۴/۳۱	۱۲	۸	۲۹
اولویت سوم	مشارکت سیاسی	۱۶/۹۴	۳/۷۶	۲۱	۸	۲۵
اولویت چهارم	سرمایه اجتماعی	۱۶/۸۶	۳/۶۶	۳۳	۸	۲۵
اولویت پنجم	انسجام و وحدت ملی	۱۰/۱۵	۲/۵۲	۹	۳	۱۵
اولویت ششم	بسیج سیاسی مردم	۱۰/۰۸	۳/۰۵	۶	۱	۱۷
اولویت هفتم	قدرت نرم	۶/۷۲	۲/۴۳	۱۵	۳	۱۵

جدول شماره (۳)، معادلات رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیرهای مستقل مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی، انسجام و وحدت ملی، اعتماد سیاسی، بسیج سیاسی مردم و به‌طور کلی بُعد سیاسی قدرت را جهت پیش‌بینی متغیر اقتدار ملی نشان می‌دهد. نتایج جدول نشان می‌دهد برای مشروعیت سیاسی مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $(T=۳/۵۷)$  و ضریب معناداری  $(Sig.T=۰/۰۰۰)$  می‌باشد. مقدار  $R$  برابر است با  $۰/۲۸$  که شدت همبستگی میان دو متغیر را نشان می‌دهد. مقدار  $R^2$  یا ضریب تعیین نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی اقتدار ملی، می‌تواند توسط متغیر مستقل یعنی مشروعیت سیاسی تبیین شود که در جدول زیر عدد  $۰/۰۸۰$  به‌دست آمد. این جدول نشان می‌دهد که آیا الگوی رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری  $(Sig.T=۰/۰۰۰)$  بیانگر این است که الگوی رگرسیونی معنادار بوده و نشان از اثرگذاری متغیر مشروعیت سیاسی بر اقتدار ملی دارد.

دومین معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل مشارکت سیاسی جهت پیش بینی متغیر اقتدار ملی می باشد. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون خطی ساده نشان می دهد که اقتدار ملی بر اساس مشارکت سیاسی معنادار است. نتایج جدول شماره (۳) نشان می دهد مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $(T=۲/۵۴)$  و ضریب معناداری  $(Sig.T=۰/۰۰۳)$  می باشد. مقدار  $R$  برابر است با  $۰/۲۹$  که شدت همبستگی میان دو متغیر را نشان می دهد. مقدار  $R^2$  یا ضریب تعیین نشان می دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی اقتدار ملی، می تواند توسط متغیر مستقل یعنی مشارکت سیاسی، تبیین شود که در جدول زیر عدد  $۰/۰۹۱$  به دست آمد. این جدول نشان می دهد که آیا الگوی رگرسیون می تواند به طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند که در اینجا سطح معناداری  $(Sig.T=۰/۰۰۳)$  بیانگر این است که الگوی رگرسیونی معنادار است؛ به همین ترتیب، نتایج حاکی از تأیید و اثرگذاری سایر متغیرها بر اقتدار ملی است که در جدول شماره (۳) قابل مشاهده می باشد.

جدول شماره (۳): نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده

متغیر اول: میزان اثرگذاری مشروعیت سیاسی بر تقویت اقتدار ملی					
نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (constant)	سطح معناداری (Sig...)
مشروعیت سیاسی	۰/۲۴	۰/۲۸	۳/۵۷	۲۴/۰۹	۰/۰۰۰
آماره های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std.Error)
	۱/۵۴	۰/۲۸	۰/۰۸۰	۱۲/۷۸	۰/۱۲
متغیر دوم: میزان اثرگذاری مشارکت سیاسی بر تقویت اقتدار ملی					
نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (constant)	سطح معناداری (Sig...)
مشارکت سیاسی	۰/۲۵	۰/۲۹	۲/۵۴	۲۸/۱۱	۰/۰۰۳
آماره های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std.Error)
	۱/۶۵	۰/۲۹	۰/۰۹۱	۱۰/۶۵	۰/۱۲

متغیر سوم: میزان اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر تقویت اقتدار ملی					
نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (constant)	سطح معناداری (Sig...)
سرمایه اجتماعی	۱/۴۲	۰/۶۹	۵/۳۲	۸/۳۹	۰/۰۰۶
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std.Error)
	۱/۶۷	۰/۷۸	۰/۶۲	۲۴۲/۹۵	۰/۰۹۱
متغیر چهارم: میزان اثرگذاری انسجام و وحدت ملی بر تقویت اقتدار ملی					
نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (constant)	سطح معناداری (Sig...)
انسجام و وحدت ملی	۰/۴۴	۰/۱۶	۲/۰۸	۲۷/۹۳	۰/۰۳۹
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std.Error)
	۱/۵۲	۰/۱۶	۰/۰۲۸	۴/۳۳	۲/۲۲
متغیر پنجم: میزان اثرگذاری اعتماد سیاسی بر تقویت اقتدار ملی					
نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (constant)	سطح معناداری (Sig...)
اعتماد سیاسی	۰/۵۰	۰/۳۸	۵/۰۱	۲۰/۷۵	۰/۰۰۰
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std.Error)
	۱/۵۵	۰/۳۸	۰/۱۴	۲۵/۱۷	۰/۱۰
متغیر ششم: میزان اثرگذاری بسیج سیاسی مردم بر تقویت اقتدار ملی					
نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (constant)	سطح معناداری (Sig...)
بسیج سیاسی مردم	۱/۴۶	۰/۶۷	۱۲/۷۴	۱۷/۶۵	۰/۰۰۰
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std.Error)
	۱/۵۴	۰/۶۷	۰/۴۵	۱۲۴/۱۶	۱/۳۸

متغیر هفتم: میزان اثرگذاری قدرت نرم بر تقویت اقتدار ملی					
نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (constant)	سطح معناداری (Sig...)
قدرت نرم	۱/۴۲	۰/۵۲	۷/۴۷	۲۲/۸۵	۰/۰۰۰
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std.Error)
	۱/۸۳	۰/۵۲	۰/۲۷	۵۵/۹۱	۱/۳۶
متغیر هشتم: میزان اثرگذاری بعد سیاسی قدرت ملی بر تقویت اقتدار ملی					
نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (constant)	سطح معناداری (Sig...)
تُعد سیاسی قدرت ملی	۰/۰۹۲	۰/۶۲	۹/۷۱	۲/۳۹۱	۰/۰۰۰
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std.Error)
	۱/۷۱	۰/۶۲	۰/۳۹	۹۴/۴۴	۰/۰۰۹

### ۳-۲. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

#### ۳-۲-۱. تجزیه و تحلیل (SWOT) برای دستیابی به اقتدار ملی ج.ا.ایران

تحلیل SWOT برای شناسایی عوامل مؤثر درونی (نقاط ضعف و قوت) و عوامل مؤثر بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) بر تحکیم اقتدار ملی ج.ا.ایران به کار رفته است. در واقع، از این روش به صورت ابزاری برای شناسایی مسائل راهبردی و ارائه راهبردهای مناسب استفاده می‌شود. در ابتدا با سنجش محیط داخلی و خارجی و همچنین بهره‌گیری از تحقیق‌های صورت گرفته در این حوزه، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید شناسایی و فهرستی از آن‌ها تهیه می‌شود؛ سپس با نظرخواهی از خبرگان و نخبگان حوزه مربوطه و وزن‌دهی به هریک از این مسائل و محاسبه و تحلیل آن‌ها، اولویت‌ها مشخص شده و در پایان برای کاستن از نقاط ضعف و تهدید و تقویت و بهبود نقاط قوت و فرصت‌های موجود در ارتباط با اقتدار ملی ج.ا.ایران، راهبردهای مناسب ارائه می‌شود.

1. SWOT= Strength, Weakness, opportunity, threat

**(الف) مهم‌ترین نقاط قوت قدرت سیاسی ج.ا.ایران:**

- (۱) ابتدای نظام سیاسی بر مردم؛
- (۲) ماهیت دینی قدرت سیاسی؛
- (۳) تاریخ و هویت ملی کهن ایرانی؛
- (۴) مشروعیت دینی و عرفی؛
- (۵) منابع مادی قدرت؛
- (۶) منابع غیرمادی قدرت؛
- (۷) ثبات سیاسی بالا؛
- (۸) کارآمدی نسبی؛
- (۹) هویت ملی مستقل.

**(ب) مهم‌ترین نقاط ضعف قدرت سیاسی ج.ا.ایران:**

- (۱) احتمال دین‌زدایی و عرفی‌گرایی (سکولاریسم) در ساحت سیاست؛
- (۲) فرسایش مشروعیت؛
- (۳) احتمال جدایی مردم از نظام سیاسی؛
- (۴) فرسایش منابع مادی قدرت؛
- (۵) فرسایش منابع غیرمادی قدرت؛
- (۶) فرسایش ثبات سیاسی؛
- (۷) تنزل کارآمدی؛
- (۸) بحران منزلت استقلال.

**(ج) مهم‌ترین فرصت‌های نظام سیاسی ج.ا.ایران:**

- (۱) توان و قدرت اعتقادی (ایدئولوژیک)؛
- (۲) همگرایی ژئوکالچرال و ژئواستراتژیک با کشورهای همجوار؛

(۳) موقعیت برتر منطقه‌ای؛

(۴) اثرگذاری جهانی؛

(۵) خلا قدرت در منطقه.

(د) مهم‌ترین تهدیدهای نظام سیاسی ج.ا.ایران:

(۱) فرسایش توان و قدرت اعتقادی (ایدئولوژیک)؛

(۲) کاهش قدرت ژئوپلیتیک؛

(۳) تخریب همگرایی ژئوکالچرال و ژئواستراتژیک به وسیله قدرت‌های فرامنطقه‌ای یا

دولت‌های رقیب؛

(۴) به‌چالش کشیدن موقعیت برتر ج.ا.ایران در منطقه؛

(۵) تلاش دولت‌های متخاصم به‌منظور مهار و واپایش (کنترل) ج.ا.ایران.

۲-۲-۳. تدوین راهبردهای دستیابی به اقتدار ملی ج.ا.ایران

هدف اصلی که در این تحقیق مطرح شد، شناسایی و تعیین راهبردهای بهره‌گیری از بعد سیاسی قدرت ملی در راستای تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران بود. به‌منظور تعیین راهبردها، عوامل قوت و ضعف با عوامل تهدید و فرصت تلاقی داده شدند. مجموع راهبردهایی که از این راه به‌دست آمد، با یکدیگر ترکیب و تا اندازه زیاد ادغام شدند. پس از ارزیابی عوامل داخلی و خارجی که مرحله ورودی نامیده می‌شود، اطلاعات موردنیاز برای تدوین راهبردها مشخص می‌شود. ماتریس داخلی شامل چهار ستون است؛ در ستون اول عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) فهرست می‌شوند. سپس در ستون دوم باتوجه به میزان اهمیت و حساسیت هر عامل، ضریب اهمیتی بین (۰-۱) به آن عامل تعلق می‌گیرد. در ستون سوم باتوجه به کلیدی بودن یا عادی بودن قوت‌ها و ضعف‌ها به‌ترتیب رتبه ۴، ۳، ۲ و ۱ اختصاص داده می‌شود. در ستون چهارم، ضرایب ستون دوم و رتبه‌های ستون سوم برای هر عامل در هم ضرب شده تا امتیاز نهایی عامل

(قوت و ضعف) مشخص شود. چنانچه جمع کل امتیازات نهایی در این ماتریس بیش از ۲/۵ باشد، به این معنی است که طبق پیش‌بینی‌های به‌عمل آمده، قوت‌های پیش‌رو بر ضعف‌ها غلبه خواهد داشت و اگر این امتیاز از ۲/۵ کمتر باشد، نشان‌دهنده غلبه ضعف‌ها بر قوت‌هاست. در عوامل خارجی، اگر ضریب از ۲/۵ کمتر باشد، نشان‌دهنده غلبه تهدیدها بر فرصت‌هاست و اگر بیشتر باشد نشان‌دهنده غلبه فرصت‌ها بر تهدیدهاست.

در مرحله دوم که مرحله مقایسه است، با تهیه ماتریس SWOT به انواع راهبردهای امکان‌پذیر توجه می‌شود. در ماتریس SWOT میان عوامل اصلی داخلی و خارجی، نوعی توازن و تعادل برقرار می‌گردد. در جدول شماره (۴) و شماره (۵)، ارزشیابی عوامل داخلی و خارجی تحقیق بیان گردیده است. همان‌گونه که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود تعداد ۱۸ نقطه قوت و ضعف شناسایی شده است. امتیاز وزنی قوت‌ها ۱/۹۹ و امتیاز وزنی ضعف‌ها ۱/۲۵ می‌باشد. جمع امتیاز عوامل داخلی (۳/۲۴) بیشتر از ۲/۵ بوده که نشان‌دهنده غلبه قوت‌ها بر ضعف‌هاست.

جدول شماره (۴): ماتریس ارزشیابی عوامل داخلی (قوت و ضعف)

کد	عوامل داخلی (IFE) قوت‌ها (S)	وزن	رتبه	امتیاز وزنی
S1	ابتنای نظام سیاسی بر مردم	۰/۰۶۳	۳	۰/۱۸۹
S2	ماهیت دینی قدرت سیاسی	۰/۰۷۰	۴	۰/۲۸۰
S3	تاریخ و هویت ملی کهن ایرانی	۰/۰۷۹	۴	۰/۳۱۶
S4	مشروعیت دینی و عرفی	۰/۰۶۱	۳	۰/۱۸۳
S5	منابع مادی قدرت	۰/۰۶۹	۳	۰/۲۰۷
S6	منابع غیرمادی قدرت	۰/۰۶۳	۳	۰/۱۸۹
S7	ثبات سیاسی بالا	۰/۰۸۰	۴	۰/۳۲۰
S8	کارآمدی نسبی	۰/۰۷۵	۳	۰/۲۲۵
S9	هویت ملی مستقل	۰/۰۳۰	۳	۰/۰۹۰
	جمع امتیاز وزنی قوت‌ها (S)	-	-	۱/۹۹



امتیاز وزنی	رتبه	وزن	عوامل داخلی (IFE) ضعفها (W)	کد
۰/۱۸۰	۳	۰/۰۶۰	جدایی مردم از نظام سیاسی	W1
۰/۱۶۵	۳	۰/۰۵۵	دین‌زدایی و عرفی‌گرایی (سکولاریسم) در ساحت سیاست	W2
۰/۱۹۵	۳	۰/۰۶۵	نادیده‌گرفتن هویت ملی	W3
۰/۱۵۰	۳	۰/۰۵۰	بحران مشروعیت	W4
۰/۰۹۶	۲	۰/۰۴۸	فرسایش منابع مادی قدرت	W5
۰/۰۹۰	۲	۰/۰۴۵	فرسایش منابع غیرمادی قدرت	W6
۰/۱۲۰	۳	۰/۰۴۰	فرسایش ثبات سیاسی	W7
۰/۱۴۷	۳	۰/۰۴۹	تنزل کارآمدی	W8
۰/۱۱۱	۳	۰/۰۳۷	بحران منزلت استقلال	W9
۱/۲۵	-	-	جمع امتیاز وزنی ضعفها (W)	
۳/۲۴	-	-	جمع کل قوتها و ضعفها	

در جدول شماره (۵)، امتیاز وزنی فرصت‌ها ۱/۶۳ و تهدیدها ۰/۹۰۷ به‌دست آمده است. با توجه به مجموع امتیاز عوامل خارجی (۲/۵۳) می‌توان گفت فرصت‌ها بر تهدیدها غلبه دارند.

جدول شماره (۵): ماتریس ارزشیابی عوامل خارجی (فرصت و تهدید)

امتیاز وزنی	رتبه	وزن	عوامل خارجی (EFE) فرصت‌ها (O)	کد
۰/۳۰۰	۴	۰/۰۷۵	توان و قدرت ایدئولوژیک	O1
۰/۲۹۶	۴	۰/۰۷۴	نفوذ و قدرت ژئوپلیتیک	O2
۰/۲۷۲	۴	۰/۰۶۸	همگرایی ژئوکالچرال و ژئواستراتژیک با کشورهای همجوار	O3
۰/۳۰۸	۴	۰/۰۷۷	موقعیت برتر منطقه‌ای	O4
۰/۲۰۷	۳	۰/۰۶۹	تأثیرگذاری جهانی	O5
۰/۲۵۶	۴	۰/۰۶۴	خلا قدرت در منطقه	O6
۱/۶۳	-	-	جمع امتیاز وزنی فرصت‌ها (O)	

کُد	عوامل خارجی (EFE) تهدیدها (T)	وزن	رتبه	امتیاز وزنی
T1	فرسایش توان و قدرت اعتقادی (ایدئولوژیک)	۰/۰۶۸	۲	۰/۱۳۶
T2	کاهش قدرت ژئوپلیتیک	۰/۰۵۸	۳	۰/۱۷۴
T3	تخریب همگرایی ژئوکالچرال و ژئواستراتژیک به وسیله قدرت‌های فرامنطقه‌ای یا دولت‌های رقیب	۰/۰۶۳	۴	۰/۲۵۲
T4	به چالش کشیدن موقعیت برتر ج.ا.ایران در منطقه	۰/۰۵۵	۳	۰/۱۶۵
T5	تلاش دولت‌های متخاصم به منظور مهار و واپایش (کنترل) ج.ا.ایران	۰/۰۶۰	۳	۰/۱۸۰
	جمع امتیاز وزنی تهدیدها (T)	-	-	۰/۹۰۷
	جمع کل فرصت‌ها و تهدیدها	-	-	۲/۵۳

تشکیل ماتریس داخلی و خارجی<sup>۱</sup> (IE): راهبردشناس‌ها می‌توانند با استفاده از این ماتریس، چهار نوع راهبرد ارائه نمایند: راهبردهای (SO)، راهبردهای (WO)، راهبردهای (ST) و راهبردهای (WT). در اجرای راهبردهای (SO) با استفاده از نقاط قوت داخلی تلاش می‌شود از فرصت‌های خارجی بهره‌برداری شود. هدف راهبردهای (WO) این است که با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط خارج، نقاط ضعف داخلی را بهبود بخشید. در اجرای راهبردهای (ST) تلاش می‌شود با استفاده از نقاط قوت خود اثرهای ناشی از تهدیدهای موجود در محیط خارج را کاهش داده یا آن‌ها را از بین برد. اجرای راهبردهای (WT) حالت تدافعی به خود گرفته و هدف آن کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدهای ناشی از محیط خارجی است.

در این گام، قوت‌های داخلی و فرصت‌های خارجی، ضعف‌های داخلی و فرصت‌های خارجی، قوت‌های داخلی و تهدیدهای خارجی و در پایان ضعف‌های داخلی و تهدیدهای خارجی با یکدیگر مقایسه شده و نتیجه آن در خانه‌های مربوط به گروه راهبرد تهاجمی (SO)، راهبرد بازنگری (WO)، راهبرد تنوع (ST) و راهبرد تدافعی (WT) درج شدند که در جدول شماره (۶) آمده است.

## 1. Internal-External (IE) Matrix

جدول شماره (۶): راهبردهای چهارگانه به دست آمده از فن SWOT

راهبردهای تهاجمی (SO)	
راهبرد بازگشت به گفتمان مردم محور انقلاب	
راهبرد صیانت از هویت دینی انقلاب	
راهبرد احیای هویت ملی	
راهبرد بازسازی مشروعیت	
راهبردهای بازنگری (WO)	
راهبرد توازن هدفها	
راهبرد بازسازی اعتقادی (ایدئولوژیک)	
راهبرد بازسازی مشروعیت	
راهبرد کارآمدسازی نظام سیاسی	
راهبردهای متنوع سازی (ST)	
راهبرد گسترده سازی قوای اعتقادی (ایدئولوژیک)	
راهبرد بهینه سازی قدرت ژئوپلیتیک	
راهبرد ختنی سازی ایران هراسی	
راهبرد صیانت از اسطوره استقلال	
راهبردهای تدافعی (WT)	
راهبرد گفتمان جایگزین (آلترناتیو)	
راهبرد یارگیری	
راهبرد صیانت از منزلت ژئوپلیتیک	
راهبرد دفاع از همگرایی ژئواستراتژیک	

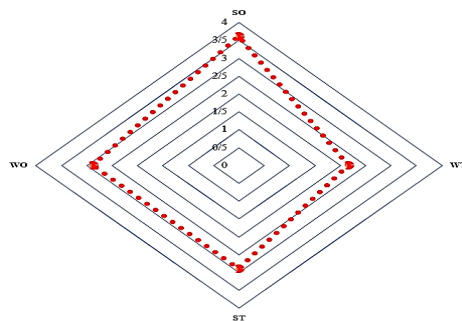
انتخاب راهبردهای قابل قبول: راهبردهای قابل قبول از میان راهبردهای جدول شماره

(۶) انتخاب می گردد. تشکیل ماتریس راهبردها و اولویت های اجرایی جهت تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران با تأکید بر اولویت بندی مؤلفه های بُعد سیاسی قدرت ملی طبق ماتریس یاد شده براساس امتیاز به دست آمده از نقاط ضعف، قوت، فرصت ها و تهدیدها حاصل شده که امتیاز مربوط به هر کدام در جدول شماره (۷) نشان داده شده است. امتیاز هریک از میانگین نظرهای جامعه آماری (استادان دانشگاه شهیدچمران اهواز) است.

جدول شماره (۷): ترکیب عوامل داخلی و خارجی

عوامل خارجی		عوامل داخلی	
T	O	W	S
۰/۹۰۷	۱/۶۳	۱/۲۵	۱/۹۹
مجموع ضرایب عوامل مرکب			
WO	ST	WT	SO
۲/۸۸	۲/۸۹	۲/۱۵	۳/۶۲

تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران با تأکید بر اولویت بندی مؤلفه های بعد سیاسی قدرت ملی، تعیین کننده راهبرد تهاجمی (SO) (نقاط قوت و فرصت) است. براساس ارقام به دست آمده در جدول شماره (۷)؛ بزرگترین عدد به دست آمده مربوط به نقاط قوت و فرصت می باشد که معادل ۳/۶۲ است (شکل ۲). بنابراین، وضعیت اقتدار ملی ج.ا.ایران از نظر محیط داخلی و خارجی، از میان چهار راهبرد مشخص شده در راهبرد تهاجمی قرار دارد. این به آن معنی است که سازمان در موقعیت مناسبی قرار داشته که می تواند از یک سو با استفاده از توانمندی ها و از سوی دیگر بهره گیری از فرصت های پیش رو با تهدیدهای خارجی مبارزه کرده و در جهت پیشرفت حرکت کند. در این وضعیت اقدام هایی که انجام می شود باید در راستای حفظ وضع موجود و استفاده از توانمندی ها، فرصت ها و مبارزه با تهدیدها باشد.



شکل شماره (۲): ماتریس داخلی و خارجی تقویت اقتدار ج.ا.ایران

براساس فرایند اقدام های انجام شده در این تحقیق، راهبردهای (۱ تا ۶) در سطح ملی و راهبردهای (۷ تا ۱۰) در سطح فراملی به عنوان راهبردهای ترکیبی دستیابی به اقتدار ملی ج.ا.ایران استخراج شده است.

(۱) **راهبرد بازآفرینی گفتمانی:** به این معنا که جامعه کنونی ایران نیازمند تدوین یک گفتمان سیاسی جدید می باشد که در این گفتمان سیاسی جدید می بایست ماهیت نظام سیاسی حفظ شود، اما شیوه های تعامل با جامعه دگرگون شود.

(۲) **راهبرد مواجهه گفتمانی:** به این معنا که چالش میان گفتمان مسلط و پادگفتمان ها اصلی ترین چالش نظام است که مواجهه با این پادگفتمان ها نه از راه سخت افزاری بلکه از راه یک راهبرد گفتمانی ممکن است.

- (۳) **راهبرد انسجام گفتمانی:** به این معنا که میان گفتمان رسمی و گفتمان‌های غیررسمی انشقاق وجود دارد. از همین‌رو ایجاد یک جغرافیای مشترک گفتمانی میان مردم و نخبگان از ضرورت‌های معطوف به بقای نظام است.
- (۴) **راهبرد اعتمادسازی:** به این معنا که رابطه مبتنی بر اعتماد میان نخبگان و مردم به شدت خدشه‌پذیر شده است. از همین‌رو اعتمادسازی و ترمیم آن که خود نوعی مشروعیت‌سازی است، در اولویت قرار دارد.
- (۵) **راهبرد گفتمان جایگزین (آلترناتیو):** به این معنا که گفتمان مسلط با بحران استیلا روبه‌رو است و از همین‌رو نظام سیاسی می‌بایست ایجاد گفتمان جایگزین (آلترناتیو) را در دستور کار قرار دهد. در واقع بازسازی قواعد بازی سیاسی می‌بایست در دستورکار قرار گیرد. در این راهبرد می‌بایست آستانه تحمل نظام افزایش یابد.
- (۶) **راهبرد ساماندهی جنبش‌ها و اعتراضات:** به این معنا که جامعه ما در حال گذار از یک جامعه توده‌ای به سوی یک جامعه کثرت‌گراست. از همین‌رو در جامعه کثرت‌گرا می‌بایست مدیریت صحیح سیاسی انجام گرفته و اعتراضات و جنبش‌ها که طبیعت این نوع جوامع است، به سوی مجاری مشخص رهنمون شود.
- (۷) **راهبرد مقاومت ملی:** از آنجایی که دشمن آرایش جنگی به خود گرفته است، لزوم همگرایی و مقاومت ملی جهت مقابله با تهدیدها ضروری است.
- (۸) **راهبرد همگرایی منطقه‌ای:** از آنجایی که منطقه‌گرایی یک راهبرد سیاسی و اقتصادی رایج جهت دستیابی به امنیت سیاسی و اقتصادی است، ضرورت حل و فصل اختلاف‌های منطقه‌ای اولویت دارد. در واقع، درگیرشدن نظام سیاسی در بحران‌های فزاینده خارجی موجب تهی‌سازی قدرت از درون می‌شود.
- (۹) **راهبرد ایجاد انشقاق و افتراق در صفوف دشمنان:** به این معنا که می‌بایست راهبرد برتر نظام سیاسی ایجاد شکاف در میان دشمنان اصلی باشد.
- (۱۰) **راهبرد تأکید بر جنبه نرم‌افزاری:** به این معنا که جنبه سخت‌افزاری ماهیت نفوذ در سیاست خارجی می‌بایست کاهش و جنبه نرم‌افزاری آن افزایش یابد.

در یک برداشت کلی می‌توان گفت بهره‌گیری از بعد سیاسی قدرت ملی در راستای تقویت اقتدار ملی نیازمند تقویت مؤلفه‌های سیاسی قدرت ملی می‌باشد. تازمانی که مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی توسعه پیدا نکنند، امکان تقویت واقعی اقتدار میسر نیست. با این حال، نباید از نظر دور داشت که تقویت بعد سیاسی قدرت ملی خود در پیوند با سایر ابعاد قدرت ملی می‌باشد؛ بعد سیاسی قدرت ملی هرچند بعدی مستقل و اثرگذار در افزایش کمی و کیفی اقتدار ملی می‌باشد، با این حال خود متأثر از سایر ابعاد قدرت ملی می‌باشد.

مهم‌ترین مؤلفه سیاسی قدرت ملی که می‌تواند یک نظام سیاسی را در سطح ملی و فراملی مرجعیت ببخشد، مشروعیت می‌باشد. با این حال مشروعیت به‌خودی خود قوام نمی‌یابد، بلکه پیوندی وثیق با سایر مؤلفه‌ها سیاسی قدرت ملی از جمله کارآمدی و مردم‌سالاری دینی دارد. یک نظام سیاسی برای آنکه بتواند مشروعیت خود را تحکیم و ارتقا ببخشد، ضروری است مؤلفه‌های مردم‌سالارانه مبتنی بر رضایت‌مندی مردم و کارآمدی را تقویت کند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

##### ۴-۱. جمع‌بندی

براساس نتایج به دست آمده از فن SWOT می‌توان گفت وضعیت تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران، تعیین‌کننده راهبرد تهاجمی (SO) (نقاط قوت و فرصت) است. براساس ارقام حاصله، بزرگ‌ترین عدد به دست آمده مربوط به نقاط قوت و فرصت می‌باشد که معادل ۳/۶۲ است. بنابراین، وضعیت اقتدار ملی ج.ا.ایران از نظر محیط داخلی و خارجی، از میان چهار راهبرد مشخص شده در راهبرد تهاجمی قرار دارد. این به آن معنی است که نظام سیاسی در موقعیت مناسبی قرار داشته که می‌تواند از یک سو با استفاده از توانمندی‌ها و از سوی دیگر بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌رو با تهدیدهای خارجی مبارزه کرده و در جهت پیشرفت حرکت کند. در این وضعیت اقدام‌هایی که انجام می‌شود باید در راستای حفظ وضع موجود و استفاده از توانمندی‌ها، فرصت‌ها و مبارزه با تهدیدها باشد.

در نهایت قابل توجه است که در شرایط فعلی که دشمنان انقلاب به دنبال تهی سازی قدرت از درون می باشند، کارگزاران نظام می بایستی از مؤلفه های درونی قدرت غفلت نکرده و این مؤلفه ها را تقویت کنند. یکی از مؤلفه های درونی قدرت که پیوندی وثیق با بنیان های انقلاب اسلامی دارد، رضایت سیاسی مردم می باشد. چنانچه نظام سیاسی بتواند پیوندهای خود با مردم را حفظ کند، نه تنها تهدیدهای محیطی خنثی می شوند، بلکه موجب اقتدار ملی می شود. بنابراین، ضروری است یک نوع بازگشت به تقویت مؤلفه های درونی قدرت صورت گیرد. پیش شرط تحکیم اقتدار ملی تقویت مؤلفه های درونی قدرت از جمله کم کردن فاصله میان مردم و دولت و همچنین تقویت بنیه اقتصادی کشور می باشد.

#### ۴-۲. پیشنهادها

- (۱) پیش نیاز هرگونه اقدام از یک سو شناخت و آگاهی نسبت به نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها و از سوی دیگر تدوین راهبرد مشخص می باشد؛
- (۲) ارائه راهبردهای مدون در تمامی حوزه ها جهت دستیابی به اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۳) کیفی سازی و تقویت قدرت ملی به عنوان بنیاد و سرچشمه اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۴) تقویت بعد سیاسی قدرت ملی به عنوان کانون اصلی تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۵) اولویت بندی حوزه های تقویت قدرت و اقتدار ملی ج.ا.ایران؛
- (۶) جلوگیری از فرسایش منابع مادی و معنوی قدرت ملی ج.ا.ایران؛
- (۷) بهره برداری بهینه از منابع مادی و معنوی قدرت ملی ج.ا.ایران؛
- (۸) مشارکت دادن بیشتر گروه های سیاسی و اجتماعی در مناسبات سیاسی به منظور تقویت مشروعیت؛
- (۹) تکیه بر حضور فعال مردم در عرصه های سیاسی به منظور استحکام سازی نهادهای سیاسی؛
- (۱۰) تقویت و توسعه همزمان ابعاد گوناگون قدرت ملی ج.ا.ایران.

\*\*\*\*\*

## فهرست منابع

## الف. منابع فارسی

۱. احمدوند، شجاع، (۱۳۸۸)، بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی و انقلاب ساندینیستی نیکاراگوئه، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۴.
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰)، *اقتدار ملی، جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
۳. بابایی، محمداقبر، (۱۳۸۹) جایگاه سیاست در اقتدار ملی از دیدگاه امام علی (ع)، *مجله سیاست دفاعی*، دوره ۱۸، شماره ۷۰.
۴. بیرو، آلن، (۱۳۶۷)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
۵. تاج‌بخش، کیان، (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
۶. خانی، حسین، (۱۳۸۹)، مؤلفه‌های نظری اقتدار ملی در سیاست خارجی اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳.
۷. دال، رابرت، (۱۳۶۴)، *تجزیه و تحلیل سیاست*، تهران، نشر نی.
۸. راش، مایکل، (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
۹. ره‌پیک، سیامک، (۱۳۹۰)، *تحکیم اقتدار (راهبردها و روندها)*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۰. شایگان، فریبا، (۱۳۸۷)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی، *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۷.
۱۱. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۸)، *بنیادهای عالم سیاست*، تهران، نشر نی.
۱۲. غلامی ابرستان، غلامرضا، (۱۳۹۲)، *نظریه اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۳. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۸۶)، *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، شرکت حکایت قلم نوین.
۱۴. قربانی‌شیرین‌نشین، ارسلان، کامران کرمی و هادی عباس‌زاده، (۱۳۹۰)، قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در شکل‌دهی به قدرت نرم، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۷.
۱۵. کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۷۸)، *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، تهران، نشر قومس.
۱۶. کالینز، جی. ام، (۱۳۷۰)، *استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)*، ترجمه کورش بابیندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.



۱۷. گروه مطالعات امنیت، (۱۳۸۷)، *تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۸. منقی، ابراهیم و افسانه رشاد، (۱۳۸۹)، نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی در خاورمیانه، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۳.
۱۹. نای، جوزف، (۱۳۸۷)، *رهبری و قدرت هوشمند*، ترجمه محمدرضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران، ابرار معاصر.
۲۰. نوریان، اردشیر، (۱۳۹۳)، جایگاه مؤلفه دفاعی - امنیتی در تحکیم و توسعه اقتدار ملی از منظر امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۱۰.
۲۱. وبر، ماکس، (۱۳۸۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران، انتشارات سمت.
۲۲. هرسیچ، حسین، (۱۳۸۳)، کسری اعتماد سیاسی: ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم‌سالاری دینی، *فصلنامه مطالعات فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی*، شماره ۲۱ و ۲۲.
۲۳. هیوود، اندرو، (۱۳۸۹)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران، نشر قومس.

### ب. منابع انگلیسی

1. Bretzer, Noreen. (2002), *How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do*, University of Gothenburg, Sweden
2. Easton, D. (1975). A re-assessment of the concept of political support, *British Journal of Political Science*, 5(4).
3. Hooghe, M., & Kern, A. (2017). Social Capital and the Development of Political Support in Europe. In *Myth and Reality of the Legitimacy Crisis, Explaining Trends and Cross-National Differences in Established Democracies* (pp. 59-75), Oxford University Press.
4. Jablonsky, D. (1997). National power, *Parameters*, 27.
5. Milbrath, L. (1977). *Political Participation*, Rand McNally College, Publishing Company
6. Nye Jr, J. S. (1991). *Bound to lead: The changing nature of American power*, Basic books.
7. Plano, J. C., & Olton, R. (1988). *International Relations Dictionary Longman: U.S.A.*
8. Putnam, R. (1995) Bowling Alone; America's Declining Social Capital, *Journal of Democracy*, 6(1).
9. Suofeng, Huang, (1992), *Comprehensive National Power Studies*, Chinese Academy of Social Sciences Press.